



## The Authority (Hujjiyyah) of Fatwas Inferred by Artificial Intelligence in Shi'i Jurisprudence (Fiqh)

**Mansour Ghaffari Goosheh**

M.A. in Religion and Media, Department of Culture and Communication, Faculty of Religion and Media, IRIB University, Qom, Iran (Corresponding Author).  
mansoorghaffari89320@gmail.com

**Kamal Akbari**

Associate Professor, Department of Culture and Communication, Faculty of Religion and Media, IRIB University, Qom, Iran. kamal.akbari@iribu.ac.ir

### Abstract

**Objective:** This research aims to investigate the authority (hujjiyyah) and permissibility of imitation (taqlid) of Artificial Intelligence (AI) derived fatwas within Shi'i Jurisprudence (Fiqh). Given the expanding applications of AI in inference processes, this article seeks to answer the question: Can fatwas extracted by AI systems be relied upon from a religious legal perspective? Examining this is significant because we may witness the widespread use of this technology in deriving religious rulings in the future.

**Methodology:** Using a descriptive-analytical (qualitative) method, relevant data concerning the process of ijtihad (independent legal reasoning), the qualifications of the mujtahid, and the foundations of the authority of a fatwa were gathered and analyzed from religious sources. The primary focus was on elucidating the scope of the directives permitting imitation (taqlid) to

**Cite this article:** Ghaffari Goosheh, Mansour; Akbari, Kamal (2026). The Authority (Hujjiyyah) of Fatwas Inferred by Artificial Intelligence in Shi'i Jurisprudence (Fiqh). *Media and Religious Studies*, 7(27): 7-33.

<https://doi.org/10.22034/jmrs.2025.456909.1203>

Received: 2025/03/21 Revised: 2025/12/26 Accepted: 2025/12/28 Published online: 2026/05/26

© The Author(s).

Article type: Research Article

Published by: IRIB University



examine its inclusion or exclusion concerning Artificial Intelligence.

**Findings:** Given the rule-based and systematic nature of ijtiḥād, Artificial Intelligence possesses the theoretical capacity to infer religious rulings. However, the authority of a mujtahid’s fatwa in Shi’i Fiqh is contingent upon the delegated authority (wilayah tafwidhah) from the Imams (A.S.), and the religious evidences do not clearly indicate the permissibility of imitating the independent fatwas of AI, or their implication remains doubtful. The utilization of AI as an auxiliary tool in the mujtahid’s inference process is evaluated as desirable and necessary.

**Discussion and Conclusion:** Despite the technical possibility of ijtiḥād by Artificial Intelligence, its independent fatwas lack authority (hujjiyyah) due to the lack of established religious authority (wilayah shar’iyyah) for AI. Nevertheless, employing AI within the framework of jurists’ inference processes is recommended as a transformative technology.

**Keywords:** Inference and Iftā’ (Issuing Fatwa), Artificial Intelligence, Authority (Hujjiyyah).



## حجیت فتاوی استنباط شده توسط هوش مصنوعی در فقه شیعه

### منصور غفاری گوشه

کارشناسی ارشد دین و رسانه، گروه فرهنگ و ارتباطات، دانشکده دین و رسانه،

دانشگاه صداوسیما، قم، ایران (نویسنده مسئول)؛

mansoorghaffari89320@gmail.com

### کمال اکبری

دانشیار گروه فرهنگ و ارتباطات، دانشکده دین و رسانه، دانشگاه صداوسیما، قم، ایران؛

kamal.akbari@iribu.ac.ir

### چکیده

**هدف:** این پژوهش با هدف بررسی حجیت و امکان تقلید از فتاوی هوش مصنوعی در فقه شیعه انجام شده است. با توجه به گسترش کاربردهای هوش مصنوعی در فرآیندهای استنباط، این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا از نظر شرعی می توان به فتاوی مستخرج توسط سیستم های هوش مصنوعی اعتماد کرد؟ بررسی این موضوع از آن نظر

استاد به این مقاله: غفاری گوشه، منصور، اکبری، کمال (۱۴۰۵). حجیت فتاوی استنباط شده توسط هوش مصنوعی در فقه شیعه. مطالعات دینی رسانه، ۷(۲۷): ۷-۳۳.

<https://doi.org/10.22034/jmrs.2025.456909.1203>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۲/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۲ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۳/۰۵

ناشر: دانشگاه صدا و سیما

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسنده



اهمیت دارد که ممکن است در آینده شاهد استفاده گسترده از این فناوری در استنباط احکام شرعی باشیم.

**روش‌شناسی پژوهش:** این پژوهش با روش اسنادی-تحلیلی (کیفی) و مراجعه به منابع دینی، داده‌های مرتبط با فرآیند اجتهاد، شرایط مجتهد، و مبانی حجیت فتوا گردآوری و تحلیل شد. تمرکز اصلی بر تبیین حدود دلالت ادله جواز تقلید بوده تا شمول یا عدم آن نسبت به هوش مصنوعی مورد بررسی قرار گیرد.

**یافته‌ها:** هوش مصنوعی با توجه به ماهیت قاعده‌پذیر و ضابطه‌مند اجتهاد، از نظر تئوریک توانایی استنباط احکام را دارد؛ اما حجیت فتوای مجتهد در فقه شیعی مبتنی بر ولایت تفویض شده از سوی ائمه علیهم‌السلام است و مستندات شرعی، دلالتی بر جواز تقلید از فتاوی مستقل هوش مصنوعی ندارند یا دلالت آن‌ها محل تردید است. استفاده از هوش مصنوعی به‌عنوان ابزار کمکی در فرآیند اجتهاد فقیه، مطلوب و ضروری ارزیابی می‌شود.

**بحث و نتیجه‌گیری:** با وجود امکان فنی اجتهاد توسط هوش مصنوعی، به دلیل عدم اثبات ولایت شرعی برای آن، فتاوی مستقل آن فاقد حجیت است؛ البته بهره‌گیری از هوش مصنوعی در چارچوب فرآیند استنباط فقیهان، به‌عنوان یک فناوری تحول‌آفرین توصیه می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** فقه، فقها، حکم شرعی، استنباط، إفتاء، هوش مصنوعی، حجیت.



## مقدمه

تا پیش از بعثت نبی گرامی اسلام ﷺ ساکنان شبه جزیره عربستان در میان انبوهی از خرافات و اوهام و به دور از هرگونه باور و آیین صحیحی، و غرق در زشتی و گناه بودند (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۶۸). درخشش خورشید اسلام در سایه تحمل زحمات و رنج‌های گسترده‌ای که بر پیامبر اسلام ﷺ و پیروان پاک‌سرشت او تحمیل شد، ابرهای تیره و تاریک جهل و نادانی را کنار زده و گستره‌ای از نور و حکمت را بر بستر بیابانی خشک و بی‌آب و علف گسترانید.

در این دوره معارف الهی و احکام شرعی به صورت مستقیم و توسط شخص پیامبر اکرم ﷺ برای مسلمانان تشریح و بیان می‌شد. قرآن و احادیث نبوی به عنوان دو منبع دریافت معارف و احکام شرعی، قادر بودند پاسخگوی مسائل مسلمانان باشند، اما در دوران بعد از پیامبر ﷺ در سایه منع نشر حدیث و به ویژه با گسترش قلمروی سرزمین‌های اسلامی در عصر فتوحات و پیدایش و تبادل آراء و افکار و مسائل جدید، ضرورت تحقق روشی جدید برای پاسخگویی به این مسائل به وضوح احساس می‌شد. کمبود منابع و نبود دسترسی به پیامبرگرامی اسلام ﷺ سبب شد تا جریان علمی به سمت استفاده از مواردی مانند قیاس و اهل حلّ و عقد برای نظریه‌پردازی و پاسخگویی به مسائل سوق پیدا کند (مددی، ۱۳۸۴). در این میان، پیروان اهل بیت علیهم‌السلام با دسترسی به آن بزرگواران و استفاده از خرم‌ن علم و معرفت آنان توانستند حجم زیادی از معارف الهی را به دست آورده و از این گنجینه‌های ارزشمند در پیمودن طریق سعادت بهره‌مند گردند.

پذیرش و باور به مساله خاتمیت پیامبرگرامی اسلام ﷺ و جامعیت آیین اسلام، اقتضاء می‌کند تا دین مبارک اسلام با تکیه بر متون و منابع خود برای تمام مسائل جدید، پاسخی شایسته توجه داشته باشد تا همواره پیروان خود را از این طریق به سعادت اُخروی رهنمون سازد. با آغاز عصر غیبت کبری و قرار گرفتن آخرین ذخیره الهی در پس پرده‌های غیبت، عالمان و اندیشمندان شیعی با استفاده از متون و منابع و با اتکاء به جایگاه و اعتباری که ائمه علیهم‌السلام در احادیث خود برای آنان قرار داده بودند، در مقام تصدی‌افتاء و پاسخگویی به مسائل برآمدند. گسترش روزبه‌روز علوم و فنون، فاصله گرفتن از عصر حضور امام و تحقق

مسائل و پدیده‌های جدید، سبب شد تا بررسی ضابطه‌مند و استخراج و استنباط مسائل و فروعات گوناگون از منابع دین امری لازم و ضروری تلقی گردد. بر همین اساس چارچوبی دقیق و منضبط به نام «اجتهاد» متولد شد. گرچه تا پیش از این دوره نیز اجتهاد و استنباط احکام، توسط برخی از عالمان و راویان احادیث صورت می‌گرفت (مطهری، ۱۳۸۴: ج ۲۰، ۱۳۸)، اما تحقق اجتهاد مصطلح در چارچوبی دقیق و منضبط را باید مرتبط با آغاز دوران غیبت کبری دانست.

رسیدن به مرحله اجتهاد متوقف بر یادگیری علوم مختلف و متعددی مانند صرف، نحو، بلاغت، معانی، حدیث، رجال، درایه، اصول فقه، تفسیر و امثال آن است. گسترش و توسعه روزافزون هوش مصنوعی در عرصه‌های مختلف زندگی، سبب می‌شود پرسش‌های جدید و نو در تمامی عرصه‌ها مطرح شده و نیاز به پاسخگویی داشته باشند. همین امر سبب می‌شود مسئله تقلید از هوش مصنوعی در احکام شرعی به‌عنوان یک سؤال مطرح گردد. با توسعه و پیشرفت هوش مصنوعی و با فرض رسیدن هوش مصنوعی به مرحله‌ای که آن را قادر بر درک و یادگیری می‌سازد، می‌توان آینده‌ای را تصور کرد که هوش مصنوعی پس از یادگیری طریق و روش اجتهاد به نکته ضابطه‌مندی و قاعده‌پذیر بودن اجتهاد، قادر به استنباط حکم شرعی و افتاء در این عرصه‌ها شود؛ همان‌طور که می‌تواند با یادگیری دانش پزشکی، اقدام به تشخیص بیماری و بیان راه‌حل درمان برای آن کند. تفاوت حوزه اجتهاد با مواردی مانند پزشکی و مهندسی و امثال آن در این سؤال است که آیا کشف حکم شرعی از طریق رسانه‌های مبتنی بر هوش مصنوعی می‌تواند برای مکلفین حجت و معتبر باشد یا از چنین اعتباری بهره‌مند نیست؟ به‌عبارت دیگر افراد همان‌گونه که می‌توانند اعمال شرعی خود را مطابق با نظر فقیهان انجام دهند، آیا می‌توانند مطابق با فتوای به‌دست‌آمده توسط هوش مصنوعی نیز اعمال خود را به جا آورند؟

به‌نظر می‌رسد فقیه در منظومه معارف دینی دارای جایگاه و منصبی خاص است که افتاء و استنباط حکم شرعی تنها یکی از شئون اوست. اگرچه هوش مصنوعی بر فرض امکان بتواند به‌صورت ضابطه‌مند و حتی با اطلاعات بیشتر به استنباط حکم شرعی بپردازد، اما نگاهی

کلی به جایگاه فقیه در منظومه معارف دینی، به وضوح نشان می‌دهد نمی‌توان جایگزینی برای فقیه در این منظومه تصویر نمود.

### پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی به بررسی نقش هوش مصنوعی در فرآیند اجتهاد فقهی پرداخته‌اند. مینایی (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی موانع و مشکلات ایجاد سیستم خبره فقه» با استناد به چالش‌های فلسفی، محدودیت‌های ذاتی هوش مصنوعی در شبیه‌سازی فرآیند اجتهاد انسانی را مورد تحلیل قرار داد. همچنین مینایی (۱۴۰۰) در پژوهش دیگری با عنوان «آیا می‌توان از هوش مصنوعی در استنباط فقهی استفاده کرد» با طراحی مدل سیستم خبره فقهی نشان داده است که هوش مصنوعی می‌تواند به‌عنوان دستیار فقیه در استنباط احکام عمل کند، اما به دلیل عدم توانایی در درک مفاهیم پیچیده‌ای مانند مصالح اجتماعی و عناوین ثانوی، نمی‌تواند جایگزین کامل فقیه شود. از سوی دیگر، سلیمانپور و طالبی علی (۱۴۰۲) در پژوهش «امکان‌سنجی و نحوه استفاده از هوش مصنوعی در امر اجتهاد فقیه» با بررسی امکان‌سنجی کاربرد هوش مصنوعی در اجتهاد تأکید کردند که این فناوری می‌تواند در تجمیع اطلاعات فقهی و تحلیل روایات مفید باشد، اما تصمیم‌نهایی باید با نظارت فقیه اتخاذ شود. بیک‌زاده (۱۳۷۸) در پژوهش «چگونه می‌توان در استنباط فقهی از هوش مصنوعی بهره برد» با ارائه مدلی جامع برای پردازش هوشمند متون دینی، بر لزوم ایجاد پایگاه‌های دانش تخصصی در حوزه علوم اسلامی تأکید کرد. وی نشان داد تبدیل دانش فقهی به داده‌های ساختاریافته شرط لازم برای بهره‌گیری از هوش مصنوعی در این حوزه است.

اگرچه این مطالعات گام‌های مهمی در تبیین نقش هوش مصنوعی در اجتهاد برداشته‌اند، اما هیچ‌کدام از مقالات مذکور به بررسی این مسئله نپرداخته‌اند که آیا اجتهاد کاملاً مستقل و مبتنی بر هوش مصنوعی دارای حجیت بوده و مکلف می‌تواند اعمال و وظایف شرعی خود را بر طبق آن انجام دهد یا از چنین حجیتی برخوردار نیست؟ این مقاله با تکیه بر یافته‌های پیشین و با توجه به مبانی فقه شیعه به بررسی حجیت و عدم حجیت فتاوی استنباط‌شده توسط

هوش مصنوعی به نحو استقلال می‌پردازد.

## مبانی پژوهش

مبتنی بر «نظریه انسداد» راه علم به احکام شرعی فرعی (اعم از تکلیفی یا وضعی، واقعی یا ظاهری) مسدود است. قائلین به این نظریه معتقدند هیچ راهی - نه از طریق علم و نه از طریق علمی (ظنون معتبر) - برای دستیابی به احکام واقعی وجود ندارد. این گروه با استناد به «دلیل انسداد» که مبتنی بر مقدماتی خاص است، حجیت «ظن مطلق» را اثبات می‌کنند. به عبارت دیگر، هنگام شک در تکالیف واقعی، عقل یا شرع حکم می‌کند که باید به هر ظنی عمل کرد (ولایی، ۱۳۸۷: ۱۲۴). در مقابل، «نظریه انفتاح» معتقد است اگرچه راه علم به احکام شرعی فرعی بسته است، اما راه علمی (ظنون معتبر) باز می‌باشد. شارع مقدس با تصدیق ظنون معتبر مانند خبر ثقه، اجماع، شهرت فتوایی و دلیل عقل، راهی برای دستیابی به احکام شرعی گشوده است. این دیدگاه که به «انفتاح حکمی» معروف است، میان علمای اصولی رواج بیشتری دارد و معتقد است اگرچه علم به احکام ممکن نیست، اما علم به اعتبار این ظنون وجود دارد (ملکی اصفهانی، ۱۳۷۹: ج ۱، ۱۸۳).

این دو دیدگاه پیامدهای عملی متفاوتی در استنباط احکام دارند. بر اساس نظریه انفتاح ظنون معتبره که نظریه مختار این پژوهش است، اصل اولی در برخورد با هر دلیل ظنی، عدم حجیت خواهد بود، و تنها ظنونی که ادله معتبری بر حجیت آنان اقامه گردد، می‌توانند معیار و ملاک عمل قرار گیرند. بنابراین مادامی که این ادله وجود نداشته باشند، هیچ‌گونه ظنی معتبر نخواهد بود که از این نتیجه با عنوان «أصالة عدم حجیت» تعبیر می‌شود؛ اما مطابق نظریه انسداد همه ظنون مادامی که منعی از ناحیه شارع مانند نهی از قیاس و ... وجود نداشته باشد، قابلیت قرار گرفتن مبنا و معیار عمل را دارند. این تمایزات نظری در بحث از حجیت فتاوای مستخرج از هوش مصنوعی نیز تأثیرگذار است، زیرا مبتنی بر نظریه انسداد می‌توان ظنونی که در قالب فتاوای شرعی از طریق هوش مصنوعی به دست آمده را - در فرض عدم منع خاص - حجت دانست، برخلاف نظریه انفتاح که به دنبال یافتن ادله برای اعتبار بخشی به این ظنون

خواهد بود.

## روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق اسنادی یکی از روش‌های کیفی تحقیق است که در آن محقق با مراجعه به اسناد، مدارک و متون موجود مانند کتاب‌ها، مقالات علمی، گزارش‌ها، آرشیوهای تاریخی، قوانین، مصاحبه‌های پیشین و سایر منابع مکتوب یا دیجیتال، به جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر داده‌ها می‌پردازد. موفقیت این روش به اعتبار منابع وابسته است.

در این پژوهش، به بررسی حجیت یا عدم حجیت فتاوی صادرشده توسط هوش مصنوعی پرداخته شده است. پرسش اصلی این است: آیا فتاوی هوش مصنوعی از نظر شرعی معتبر (حجت) هستند؟ برای پاسخ به این پرسش، پس از طرح سؤال پژوهش، منابع و مدارک دال بر حجیت تقلید بررسی شده است. سپس با تحلیل و تعیین حدود دلالت این ادله، به پرسش اصلی پژوهش پاسخ داده شده است.

در گام نخست، مفاهیم کلیدی بحث یعنی هوش مصنوعی، اجتهاد و حجیت تبیین شده است. پس از آن، مفروض پژوهش که امکان تحقق هوش مصنوعی قوی با قابلیت ادراک (شرط لازم برای اجتهاد) است، مطرح شده است. در ادامه پس از بیان ادله حجیت تقلید و تعیین حدود و ثغور آن، وجوه احتمالی حجیت فتاوی هوش مصنوعی بررسی و نقد شده است تا در نهایت، پاسخ روشنی به پرسش تحقیق ارائه شود.

## مفاهیم

### ۱. اجتهاد

«اجتهاد» کلمه‌ای برگرفته از ریشه «جَهَد» یا «جُهد» است. برخی از اهل لغت این دو ریشه را یک کلمه با دو نحوه قرائت دانسته‌اند، اما برخی از آنان «جَهَد» را به معنای مشقت و سختی و «جُهد» را به معنی طاقت و وسع می‌دانند (فیومی، ۱۴۱۴: ۱۱۲). با توجه به اختلاف مذکور، لغت «اجتهاد» یا به معنای قبول سختی و مشقت است و یا به معنای بذل وسع و

به‌کارگیری طاقت و توان است.

اجتهاد در اصطلاح عالمان و فقیهان دین به تلاش و کوشش برای استنباط حکم شرعی از منابع دینی معنی شده است (محقق حلی، ۱۴۲۳: ۲۵۳). به بیان دیگر می‌توان اجتهاد را مهارت حل مسئله و یافتن پاسخ برای پرسش‌های شرعی دانست. فقیه در اثر کثرت ممارست با متون و منابع دینی به مهارت و تخصصی دست می‌یابد که می‌تواند پیرامون هر موضوعی در رابطه با عمل مکلف، پاسخی را از منابع دینی استخراج و استنباط کرده و آن را به‌عنوان یک دستورالعمل و وظیفه دینی ابلاغ نماید.

شایسته توجه است که احکام در یک تقسیم‌بندی کلی به احکام شرعی ضروری و احکام شرعی نظری تقسیم می‌گردند که اجتهاد فقط در قسم دوم ممکن و مشروع است. مراد از احکام شرعی ضروری مواردی است که تکلیف مکلف نسبت به حکم شرعی کاملاً واضح بوده و هیچ نیازی به اعمال نظر و استنباط نیست. این موارد احکامی هستند که بین همه مسلمانان از عصر تشریح تاکنون ثابت و محفوظ بوده‌اند، مانند وجوب نماز و زکات (حلی، ۱۳۸۱: ۲۸۶). احکام شرعی نظری، احکامی هستند که برای وصول و دست یافتن به آنان باید اقدام به تهیه و تنظیم قواعد عام و کلی و همچنین استخراج ضوابط کشف حکم در علومی مانند اصول فقه نموده، سپس به سراغ منابع شرعی رفته و با به‌کارگیری این قواعد، حکم شرعی را استنباط کرد.

روشن است که تهیه و تنظیم قواعد کلی و بررسی دقیق آنان و تلاش جدی برای ایجاد مجموعه‌ای منسجم از این قواعد، نیازمند زحمات زیاد و طولانی مدت، همچنین ممارست مداوم بر این قواعد و اصول است. همین سختی و صعوبت باعث می‌شود وصول به چنین مرتبه‌ای برای هر کس ممکن و مقدور نباشد.

فقیه و مجتهد باید در قدم اول به علوم عربی و معانی عرفی لغات و اصطلاحات تسلط کافی داشته باشد تا بتواند آیات و روایات مرتبط به مسئله خود را بفهمد. در درجه بعد باید با محاورات عرفی مانوس باشد و موضوعات عرفی را بشناسد تا از خلط بین اصطلاحات تخصصی با معانی عرفی مصون گردد. همچنین باید به منطق و قواعد مربوط به صحت

استدلال مسلط باشد. آگاهی به دانش اصول فقه و قواعد آن از دیگر گام‌های مهم و لازم برای حرکت در مسیر اجتهاد است.

حوزه دانشی علم رجال از جمله علمی است که اجتهاد متوقف بر آن است. این علم به بررسی و اعتبارسنجی احادیث از طریق بررسی راویان آن می‌پردازد و محدوده روایات را برای فقیه محدود و مشخص می‌کند. آشنایی با قرآن و احادیث و سنت معصومین علیهم‌السلام را می‌توان به‌عنوان مهمترین حوزه دانشی لازم نام برد. این آشنایی به معنای تسلطی کامل بر این منابع است که منجر به شناخت شأن نزول و کیفیت استدلال، تخصیص و تقیید، محکم و متشابه و نظایر آن می‌شود. آموختن مهارت عملی تفریع فروع بر اصول و ارجاع فروع مختلف به عمومات که در اثر کثرت ممارست به دست می‌آید، بخش مهم و زمینه عملی دیگری در اجتهاد است. تسلط و فهم دقیق از کلمات فقیهان گذشته به‌ویژه فقهای که در دوره اول و نزدیک به عصر غیبت هستند، بخش مهم دیگری از مسئله اجتهاد را رقم می‌زند. فقیه و مجتهد شیعی باید به منابع اهل سنت نیز آشنایی کامل داشته باشد تا در مواردی مانند تعارض از آن بهره‌برد (خمینی، ۱۴۱۰: ج ۲، ۹۶). همچنین آگاهی از علمی مانند فلسفه، کلام و تاریخ در طریق فهم و استنباط برخی از مستندات فقهی ضروری و لازم است.

گسترده‌گی و پیچیدگی مسائل در عصر جدید اقتضاء می‌کند تا فقیه برای شناخت موضوع و استنباط حکم شرعی در مواردی، به پاره‌ای از علوم دیگر نظیر علوم تجربی و ریاضی رجوع کند.

## ۲. حجیت

«حجت» در لغت به معنای برهان (جوهری، ۱۳۷۶: ج ۱: ۳۰۴) دلیل و عامل پیروزی بر طرف مقابل است (فراهیدی، ۱۴۱۹: ۱۰). حجت در اصطلاح خاص علم اصول عبارت است از عامل مشروعیت‌بخش. توضیح بیشتر این‌که شخص باید نسبت به عمل و رفتار خود دارای دلیل و مستند باشد تا بتواند با اتکاء به دلیل و مستند خود، از آنچه انجام می‌دهد دفاع کند.

بنابراین اگر نسبت به مسئله‌ای دارای علم یا اطمینان باشد، با استناد به همین علم و اطمینان

می‌تواند اقدام نماید، اما مادامی که نسبت به مسئله‌ای ظن یا شک داشته باشد برای صحت عمل خود نیازمند مستند و دلیل است که در علم اصول به آن «حجت» گفته می‌شود. حجت دارای کارکردی دوگانه است که از آن به «معدّریّت و منجّزیت» تعبیر می‌شود. به عبارت دیگر از طرفی نقشی اثبات‌کننده دارد؛ یعنی درصدد اثبات تکلیف برای مکلف است، و از طرف دیگر نقش منتفی‌کننده دارد؛ یعنی اگر عمل مکلف برخلاف واقع باشد، هرگونه عقاب و عذاب و سرزنشی را از شخص منتفی می‌کند. در تعریف اصولی آنچه دارای حجیت است می‌تواند برای انسان اثبات تکلیف کند. پس چنانچه شخص با استناد به چنین چیزی عملی را انجام دهد و سپس اشتباه و خطا بودن آن عمل مشخص گردد، می‌تواند با استناد به آن از خود دفاع و رفع مسئولیت نماید (نائینی، ۱۳۵۲: ج ۲، ۳۳۲). بر این اساس مسئولیت و عواقب هرگونه عملی که دارای حجت نباشد، متوجه خود شخص خواهد بود.

### ۳. هوش مصنوعی

در تعریف مفهوم «هوش» به مهارت حل مسئله یا قابلیت هماهنگی با محیط اشاره شده است (رضوانیان، ۱۳۹۸: ۹). مبتنی بر یکی از رویکردهای چهارگانه موجود در این فضا هوش مصنوعی را می‌توان پدیده هوشمند شدن ماشین و ربات دانست که در طی این فرآیند ماشین قابلیت درک، استدلال و یادگیری پیدا می‌کند (مطلبی، ۱۳۹۲: ۱۹). ماشین و ربات با پیدا کردن چنین قابلیت و مهارتی می‌تواند در چارچوبی گسترده‌تر از آنچه برایش برنامه‌ریزی شده است عمل کند. ماشین با دسترسی به چنین امکاناتی، دقیقاً مانند انسان و یا حتی بهتر از آن عمل خواهد کرد. چنین سیستمی به ماشین این امکان را می‌دهد تا تنها متکی به اطلاعات اولیه‌ای که به آن داده شده نباشد، بلکه خود به درک، تحلیل و استنتاج پردازد و مبتنی بر همین قابلیت درک، اقدام به ایفای نقشی فراتر از آنچه برایش طراحی شده کند.

هوش مصنوعی به هوشمندانه عمل کردن ماشین و ربات نیز تعریف شده است، یعنی تنها عمل آن هوشمندانه خواهد بود. این مطلب به معنای توانایی درک و ادراک ماشین نیست، پس آنچه مهم خواهد بود، عملی است که از دیدگاه ناظر بیرونی هوشمندانه است (مینایی،

اصطلاح هوش مصنوعی به پدیده‌ای متفاوت از انسان اشاره می‌کند که هرچند انسان نیست، اما دارای هوش و درک است، هرچند آنچه اکنون محقق شده تنها پدیده‌ای برخوردار از حجم زیادی از اطلاعات طبقه‌بندی شده است که ماشین نسبت به آن درک و ادراک ندارد. از نمونه‌های اولیه ماشین‌های هوشمند می‌توان به Deep Blue اشاره کرد. این ربات شطرنج‌باز، هرچند در اولین رویارویی خود با یکی از قهرمانان شطرنج جهان شکست خورد، اما پس از ارتقاء در رویارویی بعدی توانست قهرمان شطرنج جهان، گری کاسپارف را شکست دهد تا از این رویداد به غلبه ربات‌ها بر انسان یاد شود، هرچند دخالت عامل انسانی در این پیروزی بی‌تأثیر نبود.

#### امکان‌سنجی تحقق هوش مصنوعی

هوش مصنوعی در یک تقسیم‌بندی کلی به دو نوع هوش مصنوعی ضعیف و هوش مصنوعی قوی تقسیم می‌گردد. مراد از هوش مصنوعی ضعیف تنها دارا بودن کارکردی از کارکردهای هوش انسانی است که امروزه در بسیاری از وسایل و ابزار الکترونیکی وجود دارد. منظور از هوش مصنوعی قوی که محل بحث است، به معنای تحقق ماشین با قدرت تفکر و خودآگاهی است.

برخی از دانشمندان حوزه هوش مصنوعی معتقدند که پیش‌بینی‌ها در مورد هوش مصنوعی در نهایت به تحقق خواهد پیوست و هوش مصنوعی با عبور از سطح هوشمندی انسان‌ها، محدودیت‌های بیولوژیک انسان را کنار گذاشته و با تمدن جدیدی روبه‌رو خواهیم بود (کورزویل، ۲۰۱۶). در مقابل منتقدین این پیش‌بینی‌ها را ردّ نموده و مدعی‌اند ماشین‌ها هرگز به هوش انسانی دست نخواهند یافت. این گروه خوش‌بینی نسبت به هوش مصنوعی را به‌مثابه تلاش برای تبدیل فلزات بی‌ارزش به طلا دانسته و به تمسخر آن پرداخته‌اند (رضوانیان، ۱۳۹۸: ۳۹).

به نظر می‌رسد نقطه اصلی این اختلاف نظر، نوع نگاه اندیشمندان این حوزه به هوش انسانی است. در دیدگاه اول، تفکر نوعی روش محاسبه است که مغز انسان با استفاده از آن

دست به این کار می‌زند. بنابراین در فرض دستیابی به چگونگی این روش، ماشین‌ها نیز قابلیت تفکر را خواهند یافت. در دیدگاه منتقدین، هوش و مهارت‌های انسانی ریشه در غریزه و ناخودآگاه انسان دارند و هرگز نخواهیم توانست ناخودآگاه انسانی را در چارچوب فرمول‌های ریاضی به تصویر درآورد (همان: ۳۸).

امکان یا عدم امکان تحقق هوش مصنوعی از نقطه نظر علمی می‌تواند مورد بحث و بررسی قرار گیرد. در برخی رویکردهای نظری، تفکر، ادراک و آگاهی از خصایص و ویژگی‌های ساحت مجرد انسان یا همان مسئله روح هستند. بر این اساس با دسترسی نداشتن انسان به این ساحت، تحقق هوش مصنوعی ممکن نخواهد بود و در نهایت انسان با ماشین و ربات پیشرفته‌ای مواجه خواهد بود که تنها دارای اطلاعات گسترده و قدرت پردازش زیادی است، اما قدرت فهم ندارد. به عبارت دیگر چنین ماشینی می‌تواند با اطلاعات و دستورالعمل‌هایی که دارد سؤالات یک امتحان را به درستی پاسخ دهد، هرچند فهمی از سؤالات و جواب‌ها نخواهد داشت. به صورت کلی ماشین طبق الگوریتم‌هایی که به آن داده شده است، عمل خواهد نمود و توانایی ساخت الگوریتم متفاوت برای خود را نخواهد داشت، مگر این که این توانایی نیز در قالب یک الگوریتم کنترل شده برای آن تعریف گردد.

در رویکرد نظری دیگر، هرگونه فکر، آگاهی و ادراک ناشی از فعل و انفعالاتی است که در مغز رخ می‌دهد و ساحتی مجرد به نام روح وجود ندارد. بر اساس این دیدگاه با کشف کامل سیستم مغزی و دستیابی به نوع فعالیت آن می‌توان اقدام به نمونه برداری از آن نمود. بنابراین دستیابی به ماشینی با هوشی مانند هوش انسان و یا برتر از آن امری ممکن و معقول خواهد بود (مطلبی، ۱۳۹۲: ۲۴).

باید توجه داشت که حتی در فرض عدم امکان تحقق هوش مصنوعی به دلیل وابستگی تفکر و ادراک به ساحت مجرد و غیرمادی، اجتهاد فقهی مبتنی بر هوش مصنوعی کاملاً معقول و ممکن خواهد بود، زیرا به طور کلی آنچه در فرآیند اجتهاد و استنباط فقهی مهم است، به کارگیری قواعد کلی و ضابطه‌مند در راستای استنباط حکم شرعی است. بنابراین حتی اگر ماشین نسبت به آنچه انجام می‌دهد فهم و ادراک نداشته باشد، خلل و آسیبی به

استنباط احکام شرعی بر اساس قواعد کلی وارد نمی‌شود. جان سرل نیز در آزمایش اتاق چینی<sup>۱</sup> بیان می‌کند می‌توان به سؤالاتی که به زبان چینی طراحی شده است، پاسخ‌هایی درست به زبان چینی داد بدون آن‌که احتیاجی به فهمیدن سؤال و جواب وجود داشته باشد. این ادعا ممکن است با این نقد مواجه گردد که در برخی از موارد فقیه تصمیم می‌گیرد تا با توجه به شرایط، مصالح و مفسدات موجود و لحظه‌ای در طریق استنباط خود تغییر مسیر دهد و یا به اصطلاح از عناوین ثانوی بهره جوید. نیروی حراست یک شرکت را در نظر بگیرید که موظف است هم‌روزه در ساعت خاصی در مکان خاصی حاضر باشد و دستورالعمل‌های امنیتی موجود را اجرا کند، اما ممکن است روزی با حادثه و واقعه‌ای مواجه شود که مجبور به ترک دستورالعمل‌ها و انجام کار دیگری شود. برای مثال جان تعدادی کودک در خیابان به خطر افتاده باشد و او باید با ترک وظیفه خود، جان آن‌ها را نجات دهد، هرچند این ترک پست و لزوم حفظ جان کودکان در دستورالعمل‌های حفاظتی او وجود ندارد.

در طول تاریخ نیز به لحاظ شرایط موجود، فقها در پاره‌ای از موارد به دلیل حوادث و اتفاقات مختلف و تحقق مصالح و مفسدات، برخلاف مشی اولیه فقهی خود عمل کرده‌اند، همچنان‌که در ماجرای تحریم تنباکو، انضباط فقهی اولیه، دلالتی بر حرمت مصرف آن نداشت، اما بسته شدن قرارداد رژی سبب شد تا میرزای شیرازی حرمت هرگونه استفاده از تنباکو را اعلام کند. علاوه بر عناوین ثانویه، قواعد دیگری مانند الغاء خصوصیت، تنقیح مناط، کشف حکم از مستندات روایی متعدد در ابواب مختلف و نظایر این موارد مبتنی بر حصول قطع برای مجتهد هستند (صنقور، ۱۴۲۸: ج ۱، ۵۷۹). از آنجا که حصول چنین قطعی نیازمند

۱. جان سرل به‌عنوان یکی از منتقدین امکان تحقق هوش مصنوعی این مثال را بیان کرده است: ابتدا تصور کنید که در یک اتاق هستید. در این اتاق یک دفترچه راهنما و دستورالعمل وجود دارد که به شما می‌گوید اگر فلان علامت و شکل از حروف چینی در قالب یک سؤال وارد اتاق شدند، شما با استفاده از فلان شکل و علامت‌های چینی، پاسخ آن‌ها را بدهید. شخصی که بیرون از این اتاق قرار دارد با مشاهده پاسخ‌ها به زبان چینی می‌پندارد که شما زبان چینی را بلد هستید، حال آن‌که شما ذره‌ای از زبان چینی را نمی‌فهمید و تنها با رعایت دستورالعمل‌ها چنین پاسخی را بیان می‌کنید. بنابراین شاید ماشین‌های هوشمند رفتار هوشمندانه‌ای داشته باشند، اما فهم و خودآگاهی و درک ندارند و از التفات و شعور بهره نخواهند برد.

برخورداری از درک و شعور است، در عمل هوش مصنوعی در فرض فقدان درک و شعور نخواهد توانست به این مهم دست یابد. در نتیجه هوش مصنوعی هر چند بتواند کاملاً ضوابط و دستورالعمل‌ها را یاد گیرد، اما مادامی که همچون انسان بی‌چون و چرا دارای درک و شعور نگردد، نمی‌تواند مانند انسان یا بهتر از انسان استنباط و استنتاج کند.

در پاسخ از نقد مذکور می‌توان ادعا کرد که واکنش‌های انعطاف‌پذیر و مخالف قوانین و قواعد اولیه، حصول قطع و هر کنش دیگری که فقیه در فرآیند استنباط حکم به کار می‌گیرد نیز دارای نظم و انضباط خاصی هستند، نه این‌که تنها بدون دلیل یا توجیه مناسبی رخ دهند. بنابراین با اضافه کردن قواعد و قوانین کلی مانند مصلحت‌سنجی، عناوین ثانوی، عنصر زمان و مکان و نظایر آن هوش مصنوعی نیز می‌تواند تصمیمات صحیح را به شرط دریافت اطلاعات درست و بروز اخذ کند، هر چند برای رسیدن به این مرحله راه دراز و دشواری را پیش رو دارد.

### مستندات حجیت اجتهاد و تقلید

هر دین و آیینی دارای دستوراتی عملی است که انجام آنان را از پیروان خود خواستار است. به همین منظور پیروان هر مکتبی به دنبال این هستند تا آموزه‌های آن مکتب را کشف و سرلوحه عمل خود قرار دهند. دست یافتن به آموزه‌های هر مکتبی یا از طریق مطالعه، تحقیق و جست‌وجوی شخصی به دست خواهد آمد که از آن به «اجتهاد» تعبیر می‌گردد، و یا با پیروی از بزرگان و اندیشمندان آن مکتب حاصل می‌شود که در اصطلاح «تقلید» نامیده می‌شود، و یا اینکه شخص باید به‌گونه‌ای رفتار کند تا اطمینان حاصل کند که هیچ‌گونه تخلفی از او سرنزده است که از آن تعبیر به «احتیاط» می‌شود (خمینی، ۱۴۲۴: ج ۱، ۱۱). نسبت به مسئله تقلید و حجیت آن مستندات متعددی در فقه مطرح شده که به صورت اجمالی به برخی از این مستندات اشاره می‌گردد:

## الف) سیره عقلاء

در میان عقلاء این سیره و روال به صورت روشن و واضح وجود دارد که در هر مسئله‌ای به اهل خبره و متخصصین آن مسئله مراجعه می‌کنند. از آنجا که عالمان دینی نیز در حیطه شناخت احکام دینی، متخصص و خبره هستند، این سیره و منش عقلایی دلالت بر لزوم مراجعه به آنان دارد. با توجه به این که در مجموعه معارف دینی، منعی از این نوع منش عقلایی نشده است، این منش از طرف شارع تأیید شده است، البته به صورت التزامی نیز حجیت فتوی فقیه را اثبات می‌کند (خوبی، ۱۴۱۱: ۱۱). توضیح این که معنا ندارد مراجعه به عالم تأیید گردد، اما حرف عالم حجیت نداشته باشد.

## ب) آیه نقر<sup>۱</sup>

مفاد آیه نقر، وجوب حذر پس از تحقق انذار است. انذار با حکم به وجوب یا حرمت محقق می‌گردد. منظور از حذر واقع شده در آیه نیز، خوف نفسانی نیست، بلکه عملکرد مطابق با گفتار انذاردهنده است. این وجوب حذر به دلالت التزامی حجیت انذار، بلکه وجوب انذار را ثابت می‌کند. به عبارت دیگر آیه دلالت بر وجوب تقلید و إفتاء دارد (همان: ۱۱).

## ج) آیه سوال<sup>۲</sup>

این آیه شریفه نیز دلالت بر وجوب سؤال و به طبع حجیت جواب آن دارد. عالمان دینی نیز از جمله افراد «اهل الذکر» هستند که سؤال از آنان و دریافت جواب برای عمل، مسلم خواهد بود (همان: ۱۳).

## د) روایات

دسته‌های متعددی از روایات بر حجیت إفتاء و جواز عمل به آن دلالت دارند (همان: ۱۶).

۱. فَلَوْ لَا نَقَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (توبه: ۱۲۲).

۲. فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (الانبياء: ۷).

این روایات به دسته‌های مختلف قابل تقسیم هستند که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

یک - اخباری که دلالت بر لزوم رجوع به روایان حدیث شیعی در مسائل قضاء و فتوی دارند؛ از آن جمله می‌توان به پاسخ حضرت مهدی (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) به اسحاق بن یعقوب اشاره کرد که در بخشی از آن آمده است: «... در حوادث و وقایعی که رخ می‌دهد، به روایان حدیث ما مراجعه کنید، زیرا آن‌ها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنان هستم ...» (عاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۷، ۱۴۰) در این روایت لزوم رجوع به عالمان و روایان احادیث و کسب تکلیف از آنان نسبت به حوادث و پیش‌آمدهای گوناگون و حجیت کلام آنان مورد اشاره واقع شده است. در کتاب «الاحتجاج» نیز به صورت واضح‌تری به آن اشاره شده است: «... و اما هر کس از فقها که خویش‌تندار باشد و دینش را حفظ نموده و با هوای نفس خود مخالفت کند و از فرمان مولایش اطاعت کند، بر دیگران لازم که از او تقلید کنند...» (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۴۵۸). بر اساس این روایت عموم مردم موظفند تنها از فقیهانی که ویژگی‌های مذکور در روایت را دارا هستند، تبعیت و تقلید کنند، و حق تقلید از دیگران را ندارند.

دو - اخبار بیانگر جواز إفتاء که جواز عمل به آن با دلالت التزامی ثابت خواهد بود؛ مانند دستور امام صادق علیه السلام به أبان بن تغلب که فرمودند: «در مسجد مدینه بنشین و برای مردم فتوا بده، زیرا من دوست دارم کسانی مانند تو را در میان شیعیانم بینم» (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۷، ۳۱۵). آن حضرت به أبان که از اصحاب ایشان بود دستور به إفتاء و بیان احکام شرع شیعه در مسجد مدینه داده‌اند.

سه - اخباری که در آن از فتوی دادن بدون بهره‌مندی از علوم اهل بیت علیهم السلام نهی شده که مفهوم آن بر جواز إفتاء در صورت داشتن علمی که از طریق اهل بیت به دست آمده دلالت می‌کند، مانند آنچه از ابو عبیده روایت شده که گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس بدون علم و هدایت الهی برای مردم فتوا دهد، فرشتگان رحمت و فرشتگان عذاب او را لعنت می‌کنند و گناه هر کس به فتوای او عمل کند، برعهده خودش خواهد بود.» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۷، ۴۰۹) این حدیث هرگونه فتوایی که بدون علم یا علمی که از طریق خدای متعال به دست نیامده باشد را نفی می‌کند و تمام مسئولیت را متوجه شخص فتوادهنده می‌داند.

## وجوه احتمالی حجیت فتوای هوش مصنوعی

تذکر این نکته لازم است که محل بحث در مواردی است که فتوای هوش مصنوعی سبب حصول علم یا اطمینان نگردد، زیرا در این صورت با توجه به حجیت علم و اطمینان مکلف می‌توان همین علم و اطمینان را مبنای عمل خود قرار دهد. فتوای به‌دست‌آمده از هوش مصنوعی تنها در فرضی که منجر به حصول ظن و گمان برای مکلف گردد، نیاز به دلیل حجیت دارد. برای حجیت و امکان پیروی از فتاوی حاصل از هوش مصنوعی به‌طور مستقل، می‌توان به دو وجه استناد کرد:

### ۱. شمولیت بناء عقلاء

بنابر سیره عقلایی، عقلاء تأیید می‌کنند که باید در هر مسئله‌ای به عالم و خبره آن مسئله رجوع نمود و بر فرض تحقق اجتهاد مبتنی بر هوش مصنوعی، می‌توان در هر مسئله‌ای به آن رجوع کرد. علاوه بر این بسیاری از ضعف‌ها، غفلت‌ها و نظایر آن که ممکن است برای انسان رخ دهد، برای هوش مصنوعی رخ نخواهد داد. به همین دلیل میزان اعتمادی که به هوش مصنوعی وجود خواهد داشت، بیشتر از اعتماد به یک عالم فقیه خواهد بود. بر این اساس حجیت فتاوی که به‌صورت مستقل توسط هوش مصنوعی استنباط شده‌اند، قابل دفاع خواهد بود.

در پاسخ به این ادعا می‌توان گفت گرچه سیره عقلایی رجوع جاهل به عالم مورد ردّ و انکار شارع قرار نگرفته است، اما این سیره در خصوص احکام شرعی و اموری مانند قضاوت، توسط روایات تحدید و مورد تقیید واقع شده است. توضیح این‌که بنابر روایات، در مسائل احکام شرعی و قضاوت نمی‌توان به هر عالمی رجوع کرد، بلکه عالم باید دارای ویژگی‌های خاصی باشد که برخی از آنان در روایات سابق مورد اشاره قرار گرفت.

علاوه بر روایاتی که لزوم برخورداری مجتهد از صفات خاصی را بیان کرده‌اند و قابلیت تطبیق بر هوش مصنوعی را ندارند، روایات دیگری نیز وجود دارد که بر اساس مفاد آنان،

جایگاه و منصب افتاء امری است که توسط ائمه علیهم‌السلام به فقیهان تفویض شده و تنها قابلیت تطبیق بر آنان دارد.

الف) مقبوله عمر بن حنظله: <sup>۱</sup> هنگامی که عمر بن حنظله از امام صادق علیه‌السلام در مورد پیروی از حکم قاضی یا سلطان غیر شیعه در مسئله مالی مورد اختلاف بین دو تن از شیعیان سؤال می‌پرسد، امام صادق علیه‌السلام در پاسخ به او تبعیت از چنین حکمی را حتی در صورتی که کاملاً صحیح باشد، نادرست و مصداق حکم طاغوت می‌داند که شیعیان موظف به اجتناب از آن هستند. در ادامه نیز فرمودند در امر قضاء تنها باید به حاکمانی که این منصب توسط ائمه علیهم‌السلام به آنان تفویض شده است مراجعه کرد (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۶۷). از این روایت برداشت می‌شود که قرار گرفتن شخص در جایگاه افتاء و قضاوت تنها به عالم بودن و صحیح حکم کردن نیست، بلکه این مقام و منصب، نوعی ولایت است که از طریق ائمه علیهم‌السلام تنها به عالمان خاص اعطا شده است. تعبیر «زیرا من او را بر شما حاکم قرار داده‌ام ...» که در این روایت آمده است، به وضوح دلالت بر تنفیذ این مقام توسط ائمه علیهم‌السلام و اعطایی بودن آن دارد.

ب) در روایتی از امام حسین علیه‌السلام نقل شده است: «جریان امور و احکام به دست علمای الهی است که بر آنچه او حلال و آنچه را حرام کرده است، امین و حافظ هستند.» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۲۳۸). دستورات و احکام شرعی توسط خدای متعال وضع شده و به وسیله

۱. مقبوله به حدیثی اطلاق می‌شود که فقها آن را قبول نموده و طبق آن فتوا صادر نموده‌اند، در حالی که صحت سند آن احراز نشده است. این حدیث را مشایخ ثلاثه، کلینی، صدوق و شیخ طوسی در کتب اربعه، هر یک به سند خود از عمر بن حنظله از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده‌اند: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع- عَنْ رَجُلَيْنِ مِنْ أَصْحَابِنَا بَيْنَهُمَا مُمَارَعَةٌ فِي دِينٍ أَوْ مِيرَاثٍ فَتَحَاكَمَا إِلَى السُّلْطَانِ وَإِلَى الْقَضَاةِ أَيْحُلُ ذَلِكَ قَالَ مَنْ تَحَاكَمَ إِلَيْهِمْ فِي حَقٍّ أَوْ بَاطِلٍ فَإِنَّمَا تَحَاكَمَ إِلَى الطَّاعُوتِ وَمَا يَحْكُمُ لَهُ فَإِنَّمَا يَأْخُذُ سِحْتًا وَإِنْ كَانَ حَقًّا ثَابِتًا لِأَنَّهُ أَخَذَهُ بِحُكْمِ الطَّاعُوتِ وَقَدْ أَمَرَ اللَّهُ أَنْ يُكْفَرَ بِهِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَيَّ الطَّاعُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يُكْفَرُوا بِهِ فُلْتُ فَكَيْفَ يَصْنَعَانِ قَالَ يَنْظُرَانِ إِلَى مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَنَظَرَ فِي حَالِنَا وَحَرَامِنَا وَعَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيُرْضُوا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ فَإِنَّمَا اسْتَحَفَّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَعَلَيْنَا رَدُّ وَالرَّادُّ عَلَيْنَا الرَّادُّ عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى حَدِّ الشَّرْكِ بِاللَّهِ ...» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۶۷).

پیامبر گرامی اسلام به مردم ابلاغ شده و پس از ایشان تبیین و توضیح این دستورات و احکام در اختیار ائمه علیهم السلام بوده است. بنابر مفاد این روایت چنین جایگاه و منصبی توسط آنان به عالمان و اندیشمندان تفویض شده است.

هرچند حدیث مذکور در اصطلاح علم حدیث، حدیث مرسل است و به همین دلیل از اعتبار سندی کمی برخوردار است، اما ضعف سند خللی به استناد مذکور وارد نمی‌کند. چنین ضعفی به دلیل عمل اصحاب امامیه به آن، جبران می‌شود (مشکینی، ۱۳۷۴: ۱۵۵). پیرامون عمل اصحاب به مفاد روایت مذکور چنین بیان شده است:

«... این خبر که ضعف سندی آن فتوا و اجماع منقول جبران می‌شود، دلالت دارد بر این که جریان هر امری از امور مسلمانان، از نکاح، عقود، احکام، دعاوی و سایر امور آن‌ها از اخذ و دفع و غیر آن، و هر حکمی از احکام آن‌ها، به دست علما است. آنچه دارای دلیل خاصی است، از این قاعده استثناء می‌شود، اما مابقی تحت این قاعده و قانونی که مبتنی بر همین روایتی است که مورد عمل فقهای امامیه قرار گرفته است، باقی می‌ماند. پس تأمل کنید...» (مراغی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۵۷۰)

ج) از امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر منسوب به ایشان نقل شده است: «پدرم از پدرانش علیهم السلام برآیم حدیث کرد که فرمودند: شدیدتر از یتیمی که از پدرش بریده شده، یتیمی است که از امامش بریده شده و قادر به رسیدن به او نیست و حکم او را در مورد قوانین دینش که به آن مبتلا شده نمی‌داند. این شخص که از دیدن ما محروم و از علم بی بهره است، مانند یتیمی در دامان کسی است که شیعه ما و عالم به علوم ما باشد و تحت سرپرستی او خواهد بود. پس هر که او را راهنمایی و هدایت کند و شریعت ما را به او بیاموزد، با ما در بالاترین درجات خواهد بود.» (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۷، ۳۱۷) بنابر مفاد این حدیث شیعیانی که دسترسی به امام معصوم و احکام ایشان ندارند را مانند شخص بی سرپرستی دانسته است که این عالمان آگاه به شریعت هستند که وظیفه سرپرستی، هدایت، ارشاد و تعلیم آنان را برعهده دارند.

در نگاهی گذرا روشن می‌شود که مقام و منصب إفتاء، تفویض ولایت مختص به ائمه علیهم السلام به عالمان است. ممکن است ادعا شود آنچه باعث شده ائمه علیهم السلام چنین مقام و منزلتی

را برای عالمان و فقیهان قرار دهند، دارا بودن صفات علم و آگاهی است، و انسان بودن مدخلیتی در این حکم ندارد. به بیان دیگر چنین صفتی تنها دلیل ثبوت چنین حکم، مقام و منزلتی برای مجتهد است و هوش مصنوعی به بهترین شکل آن را داراست؛ البته ادعای مذکور نمی‌تواند حجیت فتوای هوش مصنوعی را ثابت کند، زیرا صرف ادعای اعتبار علم در تفویض ائمه علیهم‌السلام محل تردید و شک است. در این هنگام، اصل «أصالة عدم حجیت» (گرجی، ۱۳۸۵: ۹۹) جاری شده و باز هم عدم حجیت این فتاوی را نتیجه خواهد داد.

## ۲. حجیت فتوای مجتهد غیرزنده

ممکن است برای اثبات حجیت فتوای هوش مصنوعی به حجیت فتوای مجتهد غیرزنده و امکان تقلید از آن استناد گردد. به این بیان که برای حجیت یک فتوی لازم است فتوی از طریق صحیح و مستند به ادله صحیح به دست آمده باشد و هیچ امر دیگری در آن دخیل نیست.

این استدلال نیز نمی‌تواند حجیت فتوای همش مصنوعی را ثابت نماید، زیرا عدم حجیت فتوی مجتهد غیرزنده امری است که نسبت به آن ادعای اجماع شده و بلکه از ضروریات مذهب شیعه تلقی و شعار خاص مذهب شیعه برشمرده شده است (وحید بهبهانی، ۱۳۷۸: ۸). اگرچه میرزای قمی معتقد به صحت تقلید از مجتهد غیرزنده است (میرزای قمی، ۱۴۱۳: ج ۴، ۴۶۹)، اما نظر ایشان به سبب پذیرش انسداد باب علم و علمی است، در حالی که انسداد باب علم و علمی از نظر مشهور فقیهان مردود است (خویی، ۱۴۱۱: ۵۱). همچنین عناوینی مانند «الفقیه»، «راوی الحدیث» و «الناظر فی الحلال و الحرام» که در ادله مشروعیت تقلید به کار رفته‌اند، بر مجتهد غیرزنده قابلیت تطبیق ندارد، زیرا همان‌گونه که در علم اصول فقه بیان شده، عناوین ظهور در فعلیت دارند؛ به این معنی که مجتهد باید در هنگام مراجعه دارای چنین عناوینی باشد و صرف داشتن این عناوین قبل از مرگ فایده‌ای ندارد. همان‌طور که در موارد دیگر نیز همین قاعده جاری است. برای مثال وقتی گفته می‌شود نوشیدن شراب حرام است، منظور حرمت نوشیدن چیزی است که اکنون شراب است، نه

این که قبلاً شراب بوده است و اکنون به چیز دیگری تبدیل شده است (همان). باید توجه داشت اصل عدم حجیت در اینجا نیز جاری است؛ یعنی عمل بر طبق فتوای مجتهد زنده بدون تردید حجت است، اما بر اساس فتوای مجتهد غیرزنده مشکوک است و مادامی که دلیلی بر حجیت آن اقامه نگردد، جریان اصل عدم حجیت، دلالت بر عدم امکان عمل به چنین فتوایی دارد (خراسانی، ۱۴۰۹: ۴۷۷).

هرچند فتوای هوش مصنوعی بنابر ادله فوق از حجیت برخوردار نیست، اما باید توجه داشت که فقیه در استنباط فقهی خود باید از آن استفاده نماید. هوش مصنوعی به عنوان یک دستیار قوی و پیشرفته خواهد توانست طریق استنباط و اجتهاد را برای فقیه تسهیل و در موارد متعددی از خطاهای احتمالی و غفلت‌های ممکن جلوگیری نماید. افزایش مسائل و موضوعات، ظهور پدیده‌های جدید و گسترش هر روزه علم و دانش نیاز به استفاده از چنین ظرفیتی را به صورت روزافزون پررنگ‌تر خواهد کرد. پیچیدگی زندگی در دوران معاصر نیازمند ارتباط بیشتر و مداوم فقیهان با اجتماع و مردم به دلیل تشخیص و درک صحیح‌تر مناسبات موضوع و حکم، مصالح و مفاسد و ضرورت‌ها است. هوش مصنوعی خواهد توانست در یک شبیه‌سازی، فقیه را در متن حوادث موجود قرار داده و آثار و لوازم احتمالی فتاوی او را به تصویر بکشد. فقیه همچنان می‌تواند با واگذاری عملیات استنباط به هوش مصنوعی، به نظارت بر سیر پاسخ‌دهی بپردازد و در نهایت خروجی به دست آمده را تأیید یا رد کند.

## بحث و نتیجه‌گیری

هوش مصنوعی به عنوان یک فناوری پیشرفته و تحول‌آفرین، توانایی ایجاد دگرگونی‌های عمیق و گسترده‌ای را در مسیر سنتی اجتهاد و استنباط احکام شرعی داراست. این فناوری نوین قادر است بسیاری از محدودیت‌ها و موانع موجود در فرآیند استنباط، از جمله خطاهای ناخواسته انسانی، غفلت‌های ناشی از محدودیت‌های ذهنی و اشتباهات محاسباتی را به میزان قابل توجهی کاهش دهد و حتی در برخی موارد به کلی مرتفع سازد.

با این وجود، هنگامی که به مستندات و منابع اصیل شرعی مراجعه می‌کنیم، به وضوح درمی‌یابیم که تصدی مقام افتاء و صدور حکم شرعی، منصبی ویژه و اختصاصی است که تنها به عالمان دینی واجد شرایط خاص تعلق دارد. این ویژگی‌های منحصر به فرد که شامل علم وسیع، تقوای الهی، عدالت، و دیگر صلاحیت‌های اخلاقی و علمی می‌شود، از طریق تفویض خاصی که ائمه معصومین علیهم‌السلام به این عالمان واگذار کرده‌اند، به آنان اعطا شده است.

بر این اساس عمل به فتاوایی که به صورت مستقل و بدون نظارت مجتهد واجد شرایط، توسط سیستم‌های هوش مصنوعی استخراج و صادر می‌شوند، از دیدگاه شرعی فاقد اعتبار و جاهت لازم است؛ حتی اگر در دلالت برخی روایات و نصوص شرعی بر این موضوع تردیدی وجود داشته باشد، با مراجعه به اصل محکم و استوار «عدم حجیت» که از اصول مسلم فقهی به شمار می‌رود، بی‌اعتباری و عدم حجیت چنین فتاوایی به روشنی ثابت می‌شود. از سوی دیگر، برخی ممکن است برای اثبات حجیت فتاوای هوش مصنوعی به نظریه جواز تقلید از مجتهد غیرزنده استناد کنند. این استدلال نیز از چند منظر قابل خدشه است: نخست آن‌که نظر مشهور و مسلم فقهای امامیه، بلکه اجماع، بر عدم جواز تقلید از مجتهد غیرزنده دلالت دارد. علاوه بر این، عناوین و مفاهیمی که در ادله شرعی مشروعیت اجتهاد و تقلید به کار رفته است، مانند «الفقیه» و «راوی الحدیث»، به دلیل ظهور در فعلیت، قابلیت انطباق بر مجتهد غیرزنده را ندارند. این امر به وضوح نشان می‌دهد که ادعای حجیت فتاوای هوش مصنوعی از این طریق نیز قابل دفاع نیست. با این حال، هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان ابزاری کارآمد در خدمت فقیه عمل کند و در مواردی مانند پردازش داده‌های فقهی، استخراج روایات، یا پیش‌بینی پیامدهای اجتماعی فتوا به کار گرفته شود. در نهایت، تصمیم‌گیری نهایی و اعتبارسنجی استنباط‌ها باید در اختیار فقیه باقی بماند. به عبارت دیگر، هوش مصنوعی می‌تواند «دستیار فقیه» باشد، نه «جانشین فقیه». این رویکرد هم از ظرفیت‌های فناوری بهره می‌برد و هم اصالت‌های دینی را حفظ می‌کند.



## پیشنهادات پژوهشی

۱. مطالعه تطبیقی درباره موضع سایر مذاهب اسلامی نسبت به این موضوع
۲. بررسی دقیق‌تر حدود استفاده از هوش مصنوعی در مراحل مختلف اجتهاد (مانند نقد سندی یا تحلیل دلالتی روایات).
۳. بررسی امکان طراحی چارچوبی شرعی برای نظارت فقها بر عملکرد سیستم‌های هوش مصنوعی در فرآیند استنباط، با تعریف حداقل‌های الزامی و ضوابط شرعی.

## منابع

قرآن کریم

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳). تحف العقول. ترجمه محمدصادق حسن‌زاده. تهران: انتشارات انصاریان.

بیک‌زاده، محمدرضا (۱۳۷۸). چگونه می‌توان در استنباط فقهی از هوش مصنوعی بهره برد. ره‌آورد نور، ۱ (۴): ۲۵-۲۲.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶). الصحاح. بیروت: دار العلم للملایین.

حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۰). تهذیب الوصول الی علم الأصول. لندن: موسسه الامام علی علیه السلام.

خراسانی، محمد کاظم (۱۳۶۷). کفایة الأصول (طبع آل البيت). قم: مجمع الفکر الاسلامی.

خمینی، روح الله (۱۴۱۰). الرسائل. قم: موسسه اسماعیلیان.

خمینی، روح الله (۱۴۲۴ق). توضیح المسائل. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

خویی، سید ابو القاسم موسوی (۱۴۱۱ق). فقه الشیعة - الاجتهاد و التقليد. قم: کلبه شروق.

رضوانیان، صدیقه (۱۳۹۸). هوش مصنوعی در نظام مالکیت فکری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.

سلمانی‌پور، محمدجواد، طالبی علی، مریم (۱۴۰۲). امکان‌سنجی و نحوه استفاده از هوش مصنوعی در امر اجتهاد فقیه. مطالعات حقوقی، ۶ (۳۴): ۲۵۳-۲۶۲.

شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). نهج البلاغة (للصباحی صالح). قم: مؤسسه دار الهجرة.

صنقور، محمد (۱۴۲۸). المعجم الأصولی. قم: منشورات الطیار.

طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). الاحتجاج. مشهد: نشر مرتضی.

عاملی، حرّ، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات (الطبعة الاولى).

فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی. ببلاق: مطبعة الكبرى الامیریة.

کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیة.

کورزویل، ری (۲۰۱۶). بشر طیّ ۷ سال آینده به جاودانگی دست خواهد یافت. دسترسی در ۲۶ اسفند ۱۴۰۱ از سایت: <https://www.isna.ir/>

گرچی، ابوالقاسم (۱۳۸۵). ادوار اصول الفقه. تهران: نشر میزان.

محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۳۸۰). معارج الأصول (طبع جدید). قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.

مددی، سید احمد (۱۳۸۴). اجماع زدها هل سنت. دسترسی در ۲۶ اسفند ۱۴۰۱ از سایت: [Ostadmada.ir](http://Ostadmada.ir)



- مراغی، سید میر عبد الفتاح بن علی حسینی (۱۳۷۵). العناوین الفقهیة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۷۴). اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها. قم: نشر الهادی.
- مطلبی کربکندی، حسین (۱۳۹۲). تحلیل هوش مصنوعی و کارکردهای آن در مقایسه با تفکر انسانی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). مجموعه آثار. تهران: صدرا.
- ملکی اصفهانی، مجتبی (۱۳۷۹). فرهنگ اصطلاحات اصول. قم: نشر المصطفی علیه السلام.
- میرزای قمی، ابو القاسم بن محمد حسن (۱۳۸۴). جامع الشتات فی أجوبة السؤالات (للمیرزا القمی). تهران: مؤسسه کیهان.
- مینایی، احمد (۱۳۸۴). بررسی موانع و مشکلات ایجاد سیستم خبره فقه. ره آورد نور، (۱۱): ۲-۷.
- مینایی، بهروز (۱۴۰۰). آیا می توان از هوش مصنوعی در استنباط احکام فقهی استفاده کرد؟. تحلیل انتقادی حوزه، ۳۸ (۱۸۷): ۱۵۴-۱۶۶.
- نائینی، محمد حسین (۱۳۵۲). أجود التقریرات. قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۳۶۶). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
- وحید بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل (۱۳۷۸). الرسائل الفقهیة. قم: مجمع الفکر الإسلامی.
- ولایی، عیسی (۱۳۸۷). فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول. تهران: نشر نی.